



### شانس زندگی من

به قول مادرم بزرگ‌ترین شانس زندگی من این بوده است که بهترین مربی‌ها در مسیر زندگی‌ام قرار گرفته‌اند. از استاد عابد، استاد نقاشی‌ام و استاد یاسمین تنها که فلوت و عود را از ایشان آموزش گرفته‌ام و در پیشرفت‌های من نقش مهمی داشته‌اند سپاسگزارم.

از همه مهم‌تر از مادرم که در همه‌ی این سال‌ها بهترین مشوق من بوده و گاهی ساعت‌ها پشت در کلاس‌ها منتظر مانده است، قدردانی می‌کنم.

پدرم هم در درس‌هایم خیلی کمک‌آمیز است و گاهی تا نیمه‌شب پایه‌پای من می‌نشیند تا تکالیفم را به خوبی انجام دهم. با انگیزه‌ای که پدرم داد، در مسابقات شهر ریاضی هم شرکت کردم. تیم ما دو مرحله از مسابقه را با موفقیت پشت سر گذاشت.



### به عشق مادرم

تمرین‌های ما در رشته‌ی شنا هر روزه و طولانی مدت و تقریباً اجباری بود. گاهی پیش می‌آمد حوصله نداشته یا خسته باشم و کم بیاورم، اما مادرم همیشه پیش از هر تمرین یا مسابقه‌ای به من یادآوری می‌کرد: «تومی تونی واز پس این سختی‌ها برمی‌ای!» این روحیه‌دادن‌ها، شخصیت مرا خیلی قوی‌تر کرد و باعث شد هر بار که تلاش می‌کردم بهتر از روز پیش باشم.

البته گاهی ممکن است با وجود تلاش به نتیجه‌ای که دوست داریم نرسیم که اینجا مهم نتیجه نیست بلکه سعی و همدفندی ماست. مثلاً پارسال با وجود موانعی که برای سلامتی‌ام داشتم در مسابقات شنا آموزش و پرورش شرکت کردم. خیلی خوشحال بودم از اینکه فرصتی دارم برای برنده شدن تا شاید ذره‌ای از زحمات مادرم را جبران کرده باشم. تمام طول مسیر شنا، فقط به مادرم و پیروزی به عشق او فکر می‌کردم. در مسیر برگشت ناگهان ماهیچه‌ی پایم دچار گرفتگی بدی شد که با وجود درد شدید جان‌زدم و بالاخره خودم را به نقطه‌ی پایان رساندم، اما مقام نیاوردم. خیلی غمگین بودم، اما وقتی به مدرسه رسیدم، معلم‌مان خانم دشتی نژاد به بچه‌ها گفته بود بابت تلاشی که کردم، حسابی تشویق‌م کنند.

### بدون ورزش و هنر؟ هرگز!

در نقاشی و موسیقی هم فعالیت می‌کنم. امسال در مسابقات نقاشی آموزش و پرورش در بخش سیاه‌قلم شرکت کردم که هنوز نتایج آن اعلام نشده است، اما پارسال در مسابقات موسیقی استان سوم شدم.

زمانی که از ساز زدنم باید ویدئو ارسال می‌کردم، سرماخورده بودم و سرفه می‌کردم. ساز تخصصی‌ام فلوت بود که به نفس زیادی نیاز داشت، شاید بیش از ۶۰ تا ۷۰ بار ویدئو گرفتم تا بالاخره موفق شدم.

بدون ورزش و هنر نمی‌توانم زندگی‌کنم، هریک جایگاه مهمی در زندگی روزمره‌ام دارند. در هر شرایطی کلاس‌ها را می‌روم و سعی می‌کنم طوری تمرین‌کنم که انگار هر بار دارم مسابقه می‌دهم. از بچگی عاشق اسب سواری بودم. ۸ ماه است که هفته‌ای یک بار برای آموزش سوارکاری می‌روم و مربی‌ام عموکویان را خیلی دوست دارم.

